

مقدمه‌ای بسیار کوتاه

بر انقلاب‌ها

جک گلدستون

ترجمهٔ دکتر عباس حاتمی

دانشیار دانشگاه اصفهان

۱۳۹۷

فهرست

- مقدمه مترجم ۱۱
- فصل اول: انقلاب چیست ۱۵
- تعریف انقلاب ۱۷
- آنچه انقلاب نیست ۱۹
- فصل دوم: چه عواملی باعث انقلاب می‌شوند ۲۷
- انقلاب‌ها به عنوان فرایندهای غیرمترقبه پیچیده ۳۱
- تعادل ناپایدار و پارادوکس انقلاب ۳۳
- علل ساختاری و گذرای انقلاب ۴۱
- فصل سوم: فرایندها، رهبران و پیامدهای انقلاب ۴۹
- فرایند انقلاب: از سقوط در مرکز تا پیشروی از پیرامون ۴۹
- رهبری انقلابی: از رهبران بینشی تا رهبران سازمانی ۵۸
- پیامدهای انقلاب ۶۲

فصل نهم: انقلاب‌های رنگی ۱۵۳

– انقلاب قدرت مردم در فیلیپین ۱۵۵

– انقلاب‌های ضد کمونیستی در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی ۱۶۰

– انقلاب نارنجی اوکراین ۱۶۵

فصل دهم: انقلاب‌های ۲۰۱۱ جهان عرب ۱۷۱

– تونس: از خود سوزی تا انقلاب ۱۷۲

– مصر: سقوط فرعون ۱۷۵

– لیبی: مرگ یک حاکم ظالم ۱۷۹

– سوریه در سرایشی جنگ داخلی ۱۸۲

– نبود انقلاب‌ها در نظام‌های پادشاهی جهان عرب ۱۸۴

فصل یازدهم: آینده انقلاب‌ها ۱۸۹

ارجاعات ۱۹۳

نمایه ۲۰۱

فصل چهارم: انقلاب‌های عصر قدیم ۷۱

– انقلاب‌ها از فراعنه تا یونان و روم ۷۱

– تعلیق انقلاب‌ها در امپراطوری‌ها و پادشاهی‌ها از ۷۸

– انقلاب عباسیون ۸۱

– انقلاب مکابی ۸۳

فصل پنجم: انقلاب‌ها در دوره رنسانس و اصلاحات دینی ۸۷

– انقلاب‌ها در ایتالای دوره رنسانس ۸۸

– انقلاب‌ها در دوره اصلاحات دینی ۹۰

– انقلاب انگلستان ۹۱

فصل ششم: انقلاب‌های مشروطه‌خواه ۹۹

– انقلاب آمریکا ۱۰۱

– انقلاب فرانسه ۱۰۶

– انقلاب‌های اروپایی ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ ۱۰۹

– ژاپن در دوره میجی ۱۱۱

فصل هفتم: انقلاب‌های کمونیستی ۱۱۵

– انقلاب روسیه ۱۱۶

– انقلاب چین ۱۲۰

– انقلاب کوبا ۱۲۹

فصل هشتم: انقلاب‌ها علیه دیکتاتورها ۱۳۵

– انقلاب مکزیک ۱۳۶

– انقلاب نیکاراگوئه ۱۴۲

– انقلاب اسلامی ایران ۱۴۷

انقلاب چیست

صبح ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹، جمعیتی از کارگران پاریسی درصدد برآمدند تا به زندان سلطنتی باستیل حمله کنند. زمانی که سربازان فراری و مسلح با توپ به آنها پیوستند و سربازان ارتش سلطنتی مستقر در همان نزدیکی‌ها توجهی به آنها نداشتند، آنها تا بعد از ظهر به زور راه خود را به سوی قلعه نظامی بازکردند، حاکم را کشتند و سر او را بالای نیزه کردند. بعد از ظهر آن روز لوئی شانزدهم^۱ از دوک دلا روشفوکو^۲ مرتب می‌پرسید آیا این یک شورش است. دوک در پاسخ می‌گفت نه قربان این یک انقلاب است.

پاسخ دوک به لوئی بر مبنای این آگاهی او از مردم پاریس شکل گرفته بود که آنها در قیام خود اصلاً تقاضایی برای کاهش قیمت نان یا برکناری وزیری نامحبوب یا مخالفت با تجمل‌های خودخواهانه ملکه ماری آنتوان^۳ نداشتند. آنها که در حمایت از مجمع ملی^۴ دست به کار شده بودند، توسط نمایندگان طبقه سوم^۵ یا نمایندگان عوام در مجلس طبقاتی^۶ رهبری می‌شدند. سه هفته قبل مجمع ملی در برابر پادشاه ایستاده بود و اعلام کرده بود که آنها و نه طبقه اشراف یا

1. King Louis XVI
3. Marie Antoinette
5. Third Estate

2. Duc de la Rochefoucauld
4. National Assembly
6. Estates General

روحانیون، رهبران واقعی فرانسه هستند. اگر آنها توسط مردم حمایت شده بودند و ارتش از پیوستن به آنها پا پس نکشیده بود، نظم کهن سیاسی و اجتماعی فرانسه فرو می‌پاشید.

به طور کلی دو بینش اصلی، دیدگاه‌های ما در مورد انقلاب را شکل می‌بخشند. اولین بینش، بینشی حماسی به انقلاب است. بر اساس این بینش، توده‌های محروم توسط رهبران دعوت به قیام می‌شوند؛ یعنی رهبرانی که توده‌ها را در سرنگونی فرمانروای نا به حق رهبری می‌کنند و مردم را قادر می‌سازند تا آزادی و کرامتشان را به دست آورند. با این وجود، انقلاب‌ها خشونت‌آمیز هستند و به همین دلیل ضروری است تا رژیم پیشین نابود شود و حامیان آن تار و مار گردند؛ در واقع این‌ها همان دردهای زایمان نظم جدید هستند که عدالت اجتماعی را فراهم خواهد ساخت. این آرمان که در سنت‌های جمهوری خواهانه رومی‌ها و یونانی‌ها ریشه داشت، توسط مدافعان انقلاب‌های فرانسه و آمریکا مانند توماس پین^۱ و ژول میشله^۲ بسط داده شد. بعدها این دیدگاه در قالب تئوری پیروزی اجتناب‌ناپذیر فقرا بر ثروتمندان توسط کارل مارکس، ولادیمیر پوتین، مائوتسه تونگ و پیروان آنها شکل مدرن به خود گرفت. با این وجود بینش دوم و مخالفی وجود دارد که تاکید می‌کند انقلاب‌ها فوران خشم عمومی هستند که هرج و مرج را با خود به همراه می‌آورند. در این دیدگاه اصلاح‌طلبان ولو اینکه با حسن نیت در راه آزادی عوام گام بردارند، باز متوجه می‌شوند که توده‌ها خواهان خشونت و خون‌ریزی هستند و امواج خشونتی را ایجاد می‌کنند که حتی رهبران انقلابی را نیز نابود می‌سازد. در این تعبیر، رهبران انقلابی که دیدگاه غیر واقع بینانه و کسب شهرت را دنبال می‌کنند جامعه متمدن را به سمت ویرانی می‌برند و مرگ و نابودی توجیه‌ناپذیری را موجب می‌شوند. این دیدگاه از سوی منتقدان انگلیسی از ادmond برک^۳ و توماس کارلایل^۴ گرفته تا چارلز دیکنز^۵ بسط داده

شد؛ یعنی کسانی که از زیاده‌روی‌هایی که در انقلاب فرانسه صورت گرفته بود بیمناک بودند. این دیدگاه بعدها از سوی منتقدان انقلاب روسیه و چین نیز پی گرفته شد؛ یعنی کسانی که بر هزینه‌های انسانی تحولاتی که از سوی استالین و مائو دنبال شد، تاکید می‌کردند.

واقعیت این است انقلاب‌ها هر دو چهره مزبور را از خود به نمایش می‌گذارند. باید به خاطر داشت که انقلاب‌های واقعی از تنوع بی‌شماری برخوردارند. برخی مسالمت‌آمیز هستند در حالیکه برخی دیگر جنگ‌های داخلی خونینی را به همراه دارند، برخی با خود دموکراسی و آزادی بیشتری را به ارمان آورده‌اند در حالی که برخی دیگر باعث پیدایش دیکتاتوری‌های خشن شده‌اند. به همین دلیل امروزه رهبران سیاسی توجه کمتری به اسطوره‌هایی متضادی دارند که پیرامون انقلاب‌ها وجود دارند و به جای آن آنها بیشتر تلاش می‌کنند دریابند چرا انقلاب‌ها روی می‌دهند و اینکه آنها چگونه تحول می‌یابند؛ انقلاب‌هایی که در جاهای پیش‌بینی‌ناپذیری از ایران و نیکاراگوئه (۱۹۷۹) گرفته تا اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۸۹-۱۹۹۱) و سراسر جهان عرب (۲۰۱۱) فوران می‌کنند و نه تنها حاکمان کشورهای خودشان را شوکه می‌کنند، بلکه نظم بین‌الملل را نیز به چالش می‌کشند.

1. Thomas Paine
3. Edmund Burke
5 Charles Dickens

2. Jules Michelet
4. Thomas Carlyle